

واژه‌های دیوی

دکتر محسن ابوالقاسمی *

زردشت، که حدود هزاره اول پیش از میلاد مسیح زندگی می‌کرده و مانی، که در ۱۴ نیسان ۲۱۶ میلادی متولد شده و احتمالاً در سال ۲۷۷ میلادی به قتل رسیده، هر دو به دو جهان قائل بوده‌اند: جهان روشنی و نیکی، جهان تاریکی و پلیدی. منشأ جهان تاریکی از نظر زردشت اهریمن است که دیوان و دروجان را آفریده تا او را در نبردش علیه جهان روشنی که منشاء آن اهوره‌مزده است یاوری کنند. مانی نظر زردشت را دارد. اما دروخشان (۱) را به جای دروجان و پدربزرگی را به جای اهوره‌مزده به کار می‌برد. در نوشته‌های زردشتی به اوستایی و فارسی میانه و نوشته‌های مانوی به فارسی میانه و پهلوی اشکانی و سغدی برای مطالب مربوط به جهان پلیدی لغاتی خاص به کار برده شده که بدانها واژه‌های دیوی می‌گویند. در برابر واژه‌های دیوی واژه‌های اهورایی آمده که برای بیان مطالب مربوط به جهان نیکی به کار رفته‌اند (۲):

دیوی	اوستایی	اهورائی	
as-		doiOra	چشم
		dahaka ¹ aOravan	دانشمند
kamra		Vaana	سر
gav		zasta	دست
jahi		nairilca	زن
jahika		nairilca	زن
dav		mrav	گفتن
dvar		ay	رفتن
muraka		raOaestar	جنگ جو
varsna		vastrya-fsu yant	کشاورز
za far		ah	دهان
zbar		tak	دویدن
zbaraOa		pad	پا
hav		zan	زادن
hunav		puOra	پسر

فارسی میانه ترفانی (۴)

دیوی	اهورائی	
abganag	franzind	فرزند
za far	dahan	دهان
drayist[an]	gu ftan	گفتن
drayisn	gowisn	گوش

فارسی میانه زردشتی (۵)

دیوی	اهورائی	
<i>drayidan</i>	<i>guftan</i>	گفتن
<i>drayisn</i>	<i>gowisn</i>	گوش
<i>dwaridan</i>	<i>dawidan</i>	دویدن
<i>hununag</i>	<i>frazand</i>	فرزند

چون زبان فارسی دری زبان اسلام است و اسلام دینی توحیدی، این زبان نیازی به واژه‌های دیوی نداشته است، اما برخی از آنها، با تغییر معنی، به فارسی دری راه یافته‌اند:

فارسی میانه ترفانی: *abganag*

فارسی دری: آپکانه، آفکانه، اپکانه، افکانه، فکانه، فگانه.

آپکانه و صورتهای مختلف آن در فارسی دری اطلاق شده است بر «بچه آدمی یا حیوان دیگر که نارسیده از شکم مادر بیفتد» (۶).

فارسی میانه زردشتی: *drayidan*

فارسی دری: درائیدن.

درائیدن در فارسی دری به معنی «یاوه گفتن» آمده است. فرخی (۷):

کسی که ژاژ دراید به درگهش نشود که چرب گویان آنجا شوند کندزبان اسدی طوسی (۸):

روز کاین از شب بشنید، شد آشفته و گفت خامشی کن، چه درائی سخن نامحکم در فارسی دری «هرزه درای» و «هرزه درائی»، از درائیدن، به معنی «یاوه گوی» و «یاوه گویی» به کار رفته است.

فارسی میانه ترفانی: *zafar*

فارسی دری زفر: دهان. در دانشنامه ابن سینا «زفر زیرین» به معنی «فک اسفل» و «زفر زیرین» به معنی «فک اعلی» به کار رفته است (۹).

در منشأ واژه‌های دیوی نظرات مختلفی ابراز شده است (۱۰):

۱- فراختن برگ (۱۱) منشاء واژه‌های دیوی را، لغاتی می‌داند که در مورد حیوانات به کار می‌رفته‌اند.

۲- گونترت (۱۲) لغات دیوی را لغاتی معمولی می‌داند که بر اثر تحولات اجتماعی معنی بد به خود گرفته‌اند.

۳- گری (۱۳) واژه‌های دیوی را لغات قومی بیگانه و دشمن می‌داند که برای بیان مطالب مربوط به جهان پلیدی به کار گرفته شده‌اند.

۴- بنونیست (۱۴) منشاء لغات دیوی را لغاتی می‌داند که اشخاص بی‌تربیت و بدزبان آنها را به کار می‌برده‌اند.

۱- *druxs, druj*: مؤنث‌اند و دیوان مذکر.

۲- *mraot ahuro mazda*: گفت اهوره مزداه. *davata aroro mainyus*: گفت

اهریمن. *mraot* و *davata* هر دو به معنی «گفت» است، نخستین برای اهوره مزداه و دومی برای اهریمن به کار رفته است.

3- Chr. Bartholomue, *Altiranisches Wörterbuch*, Berlin 1961.

Hans Reichelt, *Avesta Reuder*, Strassburg 1911.

4- M. Boyce, *A word-List of Manichaean Middle Persian and Parthian*, *Acta Iranica* 9a.

5- D.N. Mackenzie, *A Concise Pahlavi Dictionary*, London 1971.

۶- برهان قاطع.

۷- فرهنگ زبان تاجیکی، چاپ مسکو ۱۹۶۱، ذیل «درائیدن».

۸- حاشیه برهان قاطع، چاپ دکتر معین، ذیل «درائیدن».

۹- حاشیه برهان قاطع، چاپ دکتر معین، ذیل «زفر».

10- J. Duchesne-Guillemin, *Opera Minora, I, Publication de l'Université de Té hé ran No 1461, P.46.*

11- Frachtenberg.

12- Güntert.

13- Gray.

14- Benveniste.